



تبیین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس آثار و آرای جان دیویی<sup>۱</sup>  
**Dimensions and Components of Art and Aesthetics and Analyzing it  
Based on the Resources and Views of John Dewey**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

A. Parvizi  
S. S. Zamani (Ph.D)  
M. Adibmanesh (Ph.D)

اکبر پرویزی<sup>۲</sup>  
سید صادق زمانی<sup>۳</sup>  
مرزبان ادیب منش<sup>۴</sup>

**Abstract:** The purpose of this study is to explain the dimensions and components of art and aesthetics based on Dewey's ideas. The research method was document analysis and the analytical corpus included 10 Dewey's works related art and aesthetics and the measurement tool was a researcher-made check-list. The findings showed that art and aesthetics included dimensions such as: feeling, morality, unity, self-awareness, imagination development. Each one of these dimensions is composed of components that feeling with 11 components; unity with 10; morality with 10; self-awareness with 9; totalitarianism with 9; imagination with 8 respectively, have the highest to the lowest focus. Also, in the dimension of feeling, expressing emotions with 8 and cultivating attitudes and desires with 3; in the moral dimension, humility with 6 and sacrifice with 3; in the dimension of unity, integration with 7 and the relationship of the subject with the direct experiences of life with 3; in the dimension of self-awareness, recognizing one's ability with 6, abundance and caring for oneself with 3, in the dimension of totalitarianism, wholeness with 8 and comprehensiveness with 3, had the highest and lowest frequency, respectively.

**Keywords:** art, aesthetics, content analysis, Dewey

چکیده: هدف مقاله حاضر، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی بر اساس آثار دیویی<sup>۵</sup> می‌باشد. روش پژوهش تحلیل اسنادی است. جامعه تحلیلی، ۱۰ اثر از آثار مرتبط با هنر و زیبایی‌شناسی دیویی را در بر می‌گیرد. ابزار اندازه‌گیری، سیاهه تحلیل محتوای محقق ساخته بود. یافته‌ها نشان داد هنر و زیبایی‌شناسی شامل ابعاد: احساس، اخلاقیات، اتحاد، خودآگاهی، کل‌گرایی و تخیل است و هر یک از این ابعاد مرکب از مؤلفه‌هایی است که احساس با ۱۱ مؤلفه؛ اتحاد با ۱۰؛ اخلاقیات با ۱۰؛ خودآگاهی با ۹؛ کل‌گرایی با ۹؛ تخیل با ۸؛ به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار هستند. همچنین در بعد احساس، ابزار احساسات با ۸ و پرورش نگرش‌ها و تمایلات با ۳؛ در بعد اخلاق، تواضع با (۶) و فداکاری با (۳)؛ در بعد تخیل، شهود (۶) و تجسم فکری با (۲)؛ در بعد اتحاد، یکپارچگی با (۷) و ارتباط موضوع درسی با تجارب مستقیم زندگی با (۳) در بعد خودآگاهی، شناخت توانایی خود با (۶) فراوانی و مراقبت از خویش با (۳)؛ در بعد کل‌گرایی، همه‌جانبه‌نگری با (۶) و جامعیت با (۳) به ترتیب بیشترین و کمترین فراوانی را داشتند.

**کلید واژه‌ها:** هنر، زیبایی‌شناسی، تحلیل محتوا، دیویی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۲. دانشجوی دکتری فلسفه ی هنر، واحد سنجند، دانشگاه آزاد اسلامی، سنجند، ایران

۳. گروه فلسفه ی هنر، واحد سنجند، دانشگاه آزاد اسلامی، سنجند، ایران (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان

## مقدمه

پرورش انسان متعادل و متوازن در گرو توجه به تمام جنبه‌های وجودی و ابعاد مختلف شخصیت اوست چرا که انسان موجودی چند بعدی است و به تبع ابعاد مختلف وجودی او، انتظار است که نظام‌های تعلیم و تربیت به پرورش همه ابعاد و ظرفیت‌های وجودی وی بپردازند. نگاه تک بعدی به انسان و توجه به تجربه علمی به عنوان تنها تجربه معرفتی انسان او را دچار محدودیت‌های فراوان نموده بود. با این اوصاف، در ساختار کنونی نظام‌های آموزشی توجه و اهتمام عملی به تربیت هنری و زیبایی‌شناسی امری خردمندانه خواهد بود و باعث رشد در ابعاد علمی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و غیره می‌شود. موضوع محوری زیبایی‌شناسی، درک منطق احساسات و عواطف انسان‌ها و چگونگی انتقال‌پذیری این حالات است. این موارد در تجربیات هنری که در مقایسه با سایر تجربیات انسان، بیشتر با حواس سروکار دارند، نمود بیشتری می‌یابد؛ بنابراین موضوع زیبایی‌شناسی نوع خاصی از تجربه است که هر فرد با پدیده‌ای دارد و همچنین، روش خاصی از درک اشیاء و موقعیت‌هاست که به صورت برانگیختگی در قالب رشته‌های هنری تجلی می‌یابد (اورال، ۲۰۱۷).

بر این اساس، در نظام‌های آموزشی حفظ استانداردهای بالای آموزشی در گرو قرار دادن هنر و زیبایی‌شناسی در مرکز، و به عنوان هسته اصلی نظام آموزشی است (مهرمحمدی، ۱۳۹۰). لذا تعلیم و تربیت به عنوان یک نهاد تربیتی و آموزشی که مسئولیت تعلیم علوم و تربیت شهروندی را به عهده دارد؛ بایستی به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه نماید. چرا که یکی از ابعاد مورد غفلت نظام‌های آموزشی، بعد عاطفی فراگیران می‌باشد. علیرغم اینکه هم فیلسوفان تعلیم و تربیت و هم متخصصان علوم تربیتی از جمله روانشناسان تربیتی و رشد، اهمیت این موضوع (توجه به بعد عاطفی فراگیر) را به شیوه‌های ممکن روشن ساخته‌اند ولی باز هم در عمل و هنگام برنامه‌ریزی درسی و آموزش این بعد را مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار داده‌اند، در حالی که نظام کنونی تعلیم و تربیت، توجه خود را به جنبه‌های عملی و پرورش ابعاد شناختی معطوف ساخته و از بعد زیبایی‌شناختی و هنری

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

زندگی غافل مانده است (ادیب منش و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین نگاهی به عدم تغییرات لازم در اهداف و برنامه‌های درسی آموزش هنر نشان دهنده فقدان رویکردهای مشخص و مناسب در برنامه‌های درسی آموزش هنر و زیبایی‌شناسی در نظام تعلیم و تربیت می‌باشد (صابری و همکاران، ۱۳۹۴).

از شواهد موجود برای اثبات این ادعا می‌توان به این موارد اشاره کرد: نبود هدف مشخص برای آموزش هنر و زیبایی‌شناسی در مدارس و دانشگاه‌ها، عدم تعریف دوره آموزش هنر در دوره ابتدایی، متوقف شدن آموزش دبیران هنر در دوره اول متوسطه، غفلت از اصول و مبادی هنر گذشته ایران، فراموشی بعد محتوایی هنر، نبود فضای آموزشی مناسب و کج فهمی‌ها و بدفهمی‌های اساسی درباره ماهیت هنر و زیبایی‌شناسی به عنوان امری تفننی و سرگرم‌کننده و نه حوزه‌ای برای گسترش تفکر برنامه‌داری درسی نظام آموزشی ایران (مهدیزاده تهرانی و همکاران، ۱۳۹۷).

با این حال، هنر و زیبایی‌شناسی مقوله‌هایی هستند که بوسیله آنها می‌توان دنیا را احساس و درک کرد و هم آن را گسترش داد (کارول، ۲۰۱۲). اما همچنان که اشاره شد؛ تربیت زیبایی‌شناسی و آموزش هنرها به عنوان مقوله‌های اساسی و مهم تا حدودی، در آموزش و پرورش کشور به حاشیه رانده شده‌اند. در واقع هنر و زیبا‌شناسی هنوز به عنوان موضوعات مهم و دارای اولویت که نظام‌های آموزشی باید برای پرورش آنها سرمایه‌گذاری کنند، شناخته شده نیستند (باقری، ۱۳۸۹).

با این اوصاف، در حال حاضر مریبان اخلاق به دنبال تجدید علائق نسبت به هنر و ادبیات در تربیت اخلاقی هستند. فهم خوب و متمایز هنر و ادبیات در برنامه‌های تربیت اخلاقی منجر به رشد اندیشه‌های تربیتی در خصوص ارزشمندی‌های زندگی می‌شود. به هر حال، در جهان امروزی با وجود مسایل و معضلات فردی و اجتماعی و ... تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از الزامات تعلیم و تربیت برای آشنا کردن دانش‌آموزان با تجربیات جدید و به عنوان یک کارکرد اساسی آموزش، در فرایند یاددهی و یادگیری و ابعاد تربیتی مورد توجه است. به هر حال، رویکرد زیبایی‌شناختی در نظام آموزشی یک ضرورت است و راهی برای توجه به بعد عاطفی، علاقه، خواسته، تمایلات، انگیزه، استعداد، تفاوت‌های

فردی و ... فراگیران در برنامه‌های آموزشی می‌باشد. در کل، زیبایی‌شناسی علمی است که در مورد ادراک مسائل مربوط به زیبایی بحث می‌کند (طهماسب زاده، ۱۳۹۳).

در عصر جدید، فیلسوفان متعددی در تعلیم و تربیت به نقش هنر و زیبایی‌شناسی در تربیت اخلاقی علاقه‌مند شدند از جمله ماکسین گرین<sup>۱</sup> دونالد آرنستاین<sup>۲</sup>، لرد شافتسبری<sup>۳</sup>، دیوید هیوم<sup>۴</sup>، هاری برودی<sup>۵</sup> و جان دیویی. ایشان در نوشته‌های خود بیان نمودند که هنر بخشی از تربیت و ادب است و بهره‌مندی از هنرها، یک شخصیت مطلوب‌تر و خوب‌تر را می‌سازد.

در این بین، یکی از شاخص‌ترین فیلسوفان بزرگ معاصر که در پی واکاوی امر هنر، زیبایی و تربیت انسان بوده است، جان دیویی است. دیویی را فیلسوف برجسته تعلیم و تربیت می‌دانند، در حالی که آراء و اندیشه‌های او در باب هنر و زیبایی‌شناسی بسیار تاثیرگذارتر از فلسفه تعلیم و تربیت اوست. جان دیویی به عنوان یک فیلسوف طبیعی‌گرا، بر آن بود تا اخلاق، هنر و تجربه زیباشناسانه را به متن جریان زندگی عادی و روزمره بازگرداند.

به تبعیت از دیویی، زیبایی‌شناسی باید اساس هرگونه فهم عمیق از معنا و تفکر شود. تا جایی‌که، معنا در جریان تجربه‌ای قرار می‌گیرد که نمی‌توان بدون یک موجودی که در محیط دخالت می‌کند، وجود داشته باشد و این مفهوم هنر است. هنر جایی است که معنای جسمی حاضر در همه جا، فائق و برترین است و تجربه‌ی زیبایی‌شناسی بر مبنای معنای جسمی و حسی (درک شده) است (امینی، ۱۳۸۸). از این نظر، معنا بر پایه‌ی یک فرایند جسمی همراه با احساس پایه‌ریزی می‌شود و خرد و استدلال یک فرایند مجسم است. هم راستا با این مسیر، تصور با فرایندهای جسمی گره می‌خورد و می‌تواند شکلی از تجربه و خلاق و قابل تبدیل از تجربه باشد (دیویی، ۲۰۱۶، ص ۳۲).

به هر حال، دیویی، بعنوان فیلسوف بزرگ تعلیم و تربیت، در قرن بیستم زیبایی‌شناسی را وارد مباحث تعلیم و تربیت کرد. وی با نگارش آثار متعددی پیرامون تجربه و هنر، بر آن شد

- 
1. Maxine Greene
  2. Donald Arnstine
  3. Lord Shaftesbury
  4. David Hume
  5. Harry Broudy

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

تا هنر و تجربه زیباشناسانه را به متن جریان زندگی عادی بازگردانند. علاوه بر آن در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش در بخش مربوط به فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، به تربیت هنری و زیبایی‌شناسی به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه تربیت اشاره شده است. تربیت در این ساحت ناظر به رشد قوه خیال، عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی (درک و خلق زیبایی) متربیان بوده و توان رمزگشایی و کشف وجوه زیبایی‌شناختی امور هنری و پدیده‌های زیبا (اعم از زیبایی‌های حسی و غیر محسوس) و توان خلق و ابداع هنر و آثار زیبا از لوازم رشد متربیان در این ساحت است (صادق زاده قمصری و حسینی، ۱۳۹۶).

موضوع هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن، همواره مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی بوده که به چند نمونه از این پژوهش‌ها با تاکید بر آرای دیویی اشاره می‌شود: انصاری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی» به نتایج ذیل دست یافتند: در تجربه زیبا شناسی عوامل موثر و هنرمندانه‌ای مانند احساس، ابراز و تخیل در کنار خردورزی از اجزای ضروری تربیت به حساب می‌آید و موجب تکمیل تجربه، درک، معنی و فهم ارزش در افراد می‌شود، این تجربه منجر به برانگیختن حساسیت و همدردی در بین افراد شده، به بهبود و درک روابط جهان طبیعی و اجتماعی می‌انجامد و رفتار و قضاوت‌های اخلاقی را افزایش می‌دهد.

پور حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان: «تبیین دلالت‌های دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی برای فرایند تدریس و یادگیری» به نتایج ذیل دست یافتند: فرایند تدریس و یادگیری، تجربه‌ای زیبایی‌شناختی است و باید به صورت زیبایی‌شناختی ارائه گردد: از دیدگاه دیویی برای اینکه فرایند تدریس و یادگیری، زیبا شناسانه باشد، باید این موارد را به کار برد: استفاده از مبانی علمی در فرایند تدریس و یادگیری؛ تدریس واحد داشتن؛ پرهیز از تقابل‌ها در تدریس؛ اتصال یادگیری با امور روزمره و اجتماعی؛ استفاده از عوامل روانشناسی مثل تخیل و عاطفه در فرایند تدریس و یادگیری؛ نگاهی زیبایی‌شناختی داشتن به شغل معلمی؛ استفاده از بازی در این فرایند؛ ضرورت صداقت و نظم برقرار کردن به صورت هنرمندانه.

گرمابی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران» به این نتایج دست یافتند که زیبایی‌شناسی و هنر می‌توانند برای برنامه درسی و عناصر آن مؤلفه‌هایی ارائه نمایند که در این پژوهش ۷۳ مؤلفه به دست آمد و همه آنها در بررسی مجدد بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران از منظر صبغه هنری و زیبایی‌شناسی داشتن، مناسب تشخیص داده شدند.

قاسمی و آیت الهی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی انتقادی مبانی فلسفی دیدگاه‌های هنری، زیبایی‌شناسی و اخلاقی جان دیویی پرداختند. آنان به این امر پرداختند که رویکرد دیویی به اخلاق ابزار انگاری است و او پژوهش اخلاقی را بخشی از پژوهش‌های تجربی می‌داند. در این رویکرد پراگماتیستی شرایط تضمین احکام ارزشی در رفتار خور قرار دارد و نه در یک مرجع پیشین مثل فرامین الهی یا صور افلاطونی یا عقل محض. نهایتاً ایشان بیان کردند که مشکل اصلی فلسفه اخلاق دیویی، نسبی‌گرایی اوست.

اورال<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پایان‌نامه‌ی دکتری خود تحت عنوان تدریس به عنوان تجربه پایانی به تحلیل دیدگاه دیویی در تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و تأثیر ابعاد آن بر نحوه‌ی تدریس و به ویژه بر آموزش معلمان پرداخته است. وی با مطالعه‌ی آثار دیویی از قبیل تجربه و طبیعت و هنر به مثابه تجربه، و با شیوه‌ی هرمنوتیکی - پدیدارشناسی، به این نتیجه رسید که حاصل تدریس یک تجربه‌ی پایانی است که با سنت آمریکایی در آنچه که جان دیویی تحت مدرسه‌ای عنوان کرده هماهنگ است و در واقع ضرورت دارد به عنوان تلاشی مجدد برای ارائه ابعاد زیبایی‌شناسی در ایجاد شخصیت مثبت که در اثر این تجربه پایانی بدست آمده، به سمت آموزش معلمان حرکت کند.

فسمایر<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «جان دیویی و تصورات زیبایی‌شناسی و اخلاقی» به این نتایج دست یافت که هنر دارای یک عملکرد اخلاقی است، هنر دارای پیام رسان اخلاقی نیست، بلکه به منظور آموزش و پرورش انسان هاست. آثار هنری نیرومندترین و آماده

---

1. Oral  
2. Fesmaire

تیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

ترین منبع تجربه‌شناسی است. تعلیم و تربیت می‌تواند برای رشد زیبایی‌شناسی در کنار رشد فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، ابراز وجود، و مهارت‌های فردی نقش داشته باشد. مفهوم زیبایی‌شناسی اغلب در بحث‌های یادگیری و برنامه‌درسی غایب است.

کلارک<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل ابعاد زیبایی‌شناسی اخلاق دیویی، به نقش ابعاد زیبایی‌شناختی در یادگیری جامعه‌محور در آموزش عالی اشاره می‌کند. یادگیری جامعه‌محور تا حد وسیعی به عنوان یک آموزش یادگیری قوی برای تربیت اخلاقی مورد توجه بوده است. پس از تحلیل ابعاد زیبایی‌شناختی دیویی، که شامل احساس، همدردی، تخیل ورزی و اظهار است، بر اساس بعد تخیل ورزی یک مدل برای یادگیری جامعه‌محور در آموزش عالی پیشنهاد می‌دهد.

در بررسی‌های انجام شده از پژوهش‌های داخلی، آنچه مورد تأمل می‌باشد این است که نگاه تربیتی مبتنی بر هنر و زیبایی‌شناسی در جامعه ما به شدت مورد غفلت واقع شده و جایگاه آن در تربیت هنری بدرستی شناخته نشده است. به صورتی که حتی توصیه‌های اسناد بالادستی تعلیم و تربیت از جمله تأکید بر ساحت هنر و زیبایی‌شناسی در مباحث تربیتی نیز، در عمل دریچه تازه‌ای نگشوده است. بنابراین تربیت در مقوله تربیت هنری نگاه تازه‌ای طلب می‌کند. در میان فیلسوفان تعلیم و تربیت و نظریه پردازان این حوزه، جان دیویی به عنوان یک فیلسوف عمل‌گرا تلاش کرده است تا با رویکردی هنری به تربیت و تجربه‌ی زیبایی‌شناسی، نگاهی نو و تجربه‌ای تازه ارائه کند. لذا پژوهش حاضر با عنایت به اهمیت پرورش بعد هنر و زیبایی‌شناسی در موسسات تربیتی، بر آن است که به تییین و تحلیل آرای جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی و ابعاد و روابط بین آنها بپردازد.

### سؤال پژوهش

۱- مطابق با منابع و اسناد مرتبط با جان دیویی رایج‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیباشناسی کدامند؟ و به چه میزان در منابع و اسناد مربوط به جان دیویی به این مؤلفه‌ها توجه شده است؟

## روش شناسی

روش پژوهش کیفی و از نوع تحلیل اسناد و محتوا است. تحلیل محتوا روش مطالعه و تجزیه و تحلیل ارتباطها به شیوه نظامدار عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرهاست که مراحل آن آماده سازی و سازمان دهی، بررسی و پردازش پیام است. از این رو در این مطالعه تمرکز بر پردازش داده‌های گردآوری شده پس از رمزگذاری، مقوله بندی آن هاست (نوریان، ۱۳۹۸). جامعه تحلیلی پژوهش شامل کلیه ی متون، منابع و آثار جان دیویی است. حجم نمونه هم عبارت است از متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی در دسترس بود که در نهایت ۱۰ منبع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. دلیل انتخاب این آثار، مرتبط بودن آنها با حوزه هنر و زیبایی شناسی و همچنین تأکید صاحب‌نظران این حوزه بر انتخاب این آثار به عنوان جامعه تحلیلی بود. کتاب‌ها و آثار دیویی و شارحان وی، مجلات الکترونیک و مقالات و پایان نامه‌های موجود مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته که از آن جمله کتاب‌های:

۱- هنر به منزله تجربه<sup>۱</sup>

۲- اصول اخلاقی در تربیت<sup>۲</sup>

۳- دموکراسی و آموزش و پرورش<sup>۳</sup>

۴- اخلاق و شخصیت<sup>۴</sup>

۵- مدرسه و شاگرد<sup>۵</sup>

۶- تجربه و آموزش و پرورش<sup>۶</sup>

۷- طبیعت و رفتار انسان<sup>۷</sup>

۸- بازسازی در فلسفه<sup>۱</sup>

- 
1. Art As Experience
  2. Moral Principles In Education
  3. Democracy And Education
  4. Morality And Personality
  5. School And Student
  6. Experience And Education
  7. Nature And Human Behavior



## ۹- تعلیم و تربیت امروزه<sup>۲</sup>

## ۱۰- رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت<sup>۳</sup>

در واقع در این مطالعه، محقق ابتدا به انتخاب آثار دیویی و مقالات مکتوب و الکترونیکی مرتبط با موضوع که باید تحلیل شوند، پرداخته و بر اساس اهداف و سوالات تحقیق، مواد خام تهیه شد. سپس استخراج مفاهیم از آثار منتخب و معناکاوی مفاهیم در محتوا و در متن به شیوه‌ی فیش برداری انجام شد (بازرگان، ۱۳۹۳). پس از آن اطلاعات بدست آمده بر اساس سوالات پژوهش و استخراج مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی مورد توصیف، تحلیل و نقد قرار گرفت. همچنین با استقرای تمام آن دسته از عبارات، گزاره‌ها، مفاهیم، مؤلفه‌ها و نمادهائی را که به عنوان ویژگی بارز و مهم هنر و زیبایی‌شناسی مورد قبول واقع شده بودند یا دارای بار معنایی در معرفی واژه‌ی هنر و زیبایی‌شناسی بودند، به عنوان واحد تحلیل انتخاب شدند و سپس در شش بعد ۱-احساس ۲-تخیل ۳-اخلاق ۴-خودآگاهی ۵-اتحاد و انسجام ۶-کل‌گرایی طبقه‌بندی گردیدند. سپس فراوانی پیام‌ها بر حسب مقوله‌های پنج‌گانه یاد شده و به تناسب متون و منابع مرتبط با برنامه هنر و زیبایی‌شناسی شمارش گردید. سپس مضامین و عبارات متناسب با هنر و زیبایی‌شناسی مشخص و در فهرست واریسی ثبت شد. در ادامه ضمن شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی، فراوانی هر مؤلفه شمارش شده و به طور دقیق تعیین شد که در هر اثر به چه میزان به ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی توجه کرده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در دو مرحله: تعیین مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تدوین

سیاهه واریسی محتوا تدوین شد که توضیحاتی درباره آنها ارائه می‌گردد:

۱- **تدوین مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی:** در این مرحله یعنی تدوین و تعیین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی، روش کار به این صورت بود که ابتدا بر اساس مبانی نظری و ادبیات هنر و زیبایی‌شناسی، استفاده از نظرات صاحب‌نظران موضوعی و همچنین مطالعه و

تحلیل محقق از منابع مورد مطالعه دیویی، ابعاد اصلی استخراج شدند و به دنبال آن بر اساس ابعاد تعیین شده، زیر مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد نیز تعیین شدند. به منظور اطمینان از شناسایی ابعاد هنر و زیبایی‌شناسی و مؤلفه‌های مربوط به هر یک از ابعاد شش‌گانه و همچنین آگاهی از روایی<sup>۱</sup> چارچوب مفهومی این ابعاد و مؤلفه‌ها، چارچوب تدوین شده در اختیار پنج نفر از صاحب‌نظران آشنا به ادبیات هنر و زیبایی‌شناسی که به صورت هدفمند انتخاب شدند، قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد که چارچوب فوق را با توجه به انطباق ابعاد با ادبیات هنر و زیبایی‌شناسی و انطباق مؤلفه‌ها با هر کدام از ابعاد مورد بررسی قرار دهند. اساتید حوزه مربوطه پس از مطالعه چارچوب مفهومی دیدگاه‌های خود را پیرامون اصلاح و حذف بخشی از مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد، در اختیار گذاشتند. بر اساس نظرات صاحب‌نظران اصلاحات پیشنهادی انجام و چارچوب اصلاحی مجدداً در اختیار صاحب‌نظران قرار داده شد که آنها چارچوب نهایی را با توجه انطباق آن با ادبیات هنر و زیبایی‌شناسی و اهداف پژوهش و همین‌طور انطباق ابعاد و مؤلفه‌ها مورد تایید قرار دادند. و در نهایت ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی شناسایی و تبیین گردیدند.

**۲- تدوین سیاهه واری محتوا:** بر اساس چارچوب مفهومی که در مرحله تدوین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی تدوین گردید، سیاهه واری محتوا تدوین شد. بدین معنی که جدولی تنظیم شد که در ستون اول ابعاد هنر و زیبایی‌شناسی، در ستون دوم به تفکیک در ردیف‌های جداگانه تک تک مؤلفه‌های هر بعد و در ستون سوم مولفان منابع و متون مرتبط با هنر و زیبایی‌شناسی و در ستون آخر فراوانی و درصد هر یک از مؤلفه‌ها قرار داده شد. برای تأمین پایایی<sup>۲</sup> این ابزار، از روش اسکات<sup>۳</sup> استفاده شده است. بدین صورت که سیاهه واری محتوا در اختیار هشت نفر از صاحب‌نظران مذکور قرار گرفت و ضریب توافق آنها بر اساس فرمول ذیل محاسبه شد.

- 
1. Validity
  2. Reliability
  3. Scott

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

$$C.R = \frac{100 \times \text{مقوله‌های مورد توافق}}{C.R}$$

کل مقوله‌ها

$$C.R = \frac{44+43+45+44+46+45+44+42 \times 100}{8 \times 47} = 93/88$$

$$8 \times 47$$

بر اساس فرمول اسکات ضریب توافق بین صاحب‌نظران پیرامون فرمول تحلیل محتوا ۹۳/۸۸ می‌باشد که ضریب توافق بالا و قابل ملاحظه‌ای می‌باشد.

یافته‌ها

۱- مطابق با منابع و اسناد مرتبط با جان دیویی رایج‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیباشناسی کدامند؟ و به چه میزان در منابع و اسناد مربوطه به این مؤلفه‌ها توجه شده است؟

براساس مطالعه صورت گرفته در خصوص آثار و آرای دیویی و با توجه به تحلیل محتوای انجام شده، یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که هنر و زیبایی‌شناسی در شش بعد احساس، خودآگاهی، اتحاد و انسجام، اخلاق، تخیل و کل‌گرایی مورد توجه قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از میزان توجه به ابعاد هنر و زیبایی‌شناسی در متون و منابع در دسترس مرتبط با حوزه هنر و زیبایی‌شناسی در جداول مربوط به ابعاد شش‌گانه هنر و زیبایی‌شناسی در ادامه ذکر شده است.

جدول شماره ۱: تحلیل جایگاه بعد احساس و ادراک در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی<sup>۱</sup>

ابعاد	مؤلفه ها	منابع	فراوانی	درصد
احساس و ادراک	ابراز احساسات با زبان هنری	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)، تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۴۰)، تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶).	۸	۳/۲۰
	شادی	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۴	۱/۶۰
	توجه به عواطف	مدرسه و شاگرد (۱۹۹۹)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۵	۲
	توجه به اصول سازندگی و خلاقیت	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۱۹۱۴)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۵	۲
	همدردی	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۵	۲
	پرورش منش و عادات ممتاز فکری	اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۴	۱/۶۰
	توجه به موسیقی (موسیقی های سنتی) محلی	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۵	۲

۱. در تنظیم جداول مربوطه از الگوی مقاله با عنوان تبیین ابعاد و مولفه‌های برنامه درسی معنوی براساس منابع و متون مرتبط استفاده شده است

ابعاد	مؤلفه‌ها	منابع	فراوانی	درصد
	توجه به آموزش مبتنی بر هنر	تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۰)، رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹). تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۶	۲/۴۰
	توجه به علایق و سلاقی	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹). دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶).	۴	۱/۶۰
	تجربیات هنری	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۶	۲/۴۰
	درک تفاوت‌های فردی و توجه به آن	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۵	۲
	پرورش نگرش‌ها و تمایلات	اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۳	۱/۲۰
	جمع		۶۰	۲۴ درصد

بعد احساس و ادراک یافته‌ها نشان می‌دهد این بعد (۱۱) مؤلفه و (۶۰) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه‌های، ابراز احساسات با زبان هنری با (۸) فراوانی و پرورش نگرش‌ها و تمایلات (۳) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۲: تحلیل جایگاه بعد اخلاق در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی

درصد	فراوانی	منابع	مؤلفه ها	بعد
۲	۵	تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)	خویشن داری	اخلاق
۲/۴۰	۶	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، (طبیعت و رفتار انسان، ۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	همسرداری مسالمت آمیز با دیگران	
۲	۵	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	پاسخگویی	
۱/۶۰	۴	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	محترم شدن حق و حقوق دیگران	
۱/۶۰	۴	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، (طبیعت و رفتار انسان، ۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	توجه به اصل برابری و مساوات	
۱/۲۰	۳	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، (طبیعت و رفتار انسان، ۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	از خودگذشتگی	
۱/۶۰	۴	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)	تاکید بر اهمیت مهرورزی در زندگی	
۱/۶۰	۴	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)	برخورداری از حجب و حیا در زندگی	
۲/۴۰	۶	تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹-۱۹۰۹) - رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲).	تواضع و فروتنی	
۱/۶۰	۴	اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)، رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	مراقبه	
۱۸ درصد	۴۵		جمع	

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

یافته‌های مربوط به بعد اخلاق نشان می‌دهد این بعد (۱۰) مؤلفه و (۴۵) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه تواضع و فروتنی با (۶) فراوانی و مؤلفه از خودگذشتگی با (۳) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۳: تحلیل جایگاه بعد اتحاد و انسجام در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی‌شناسی

بعد	مؤلفه	منابع	فراوانی	درصد
اتحاد و انسجام	داشتن وحدت	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰).	۶	۲/۴۰
	اتصال یادگیری با امور روزمره	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)، رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸).	۴	۱/۶۰
	ارتباط موضوع درسی با تجارب مستقیم زندگی	اخلاق (۱۹۳۵)، تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶).	۲	۰/۸
	حضور داشتن	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۲	۰/۸
	کیفیت تفردبخش	بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۳	۱/۲۰
	هماهنگی و نظم	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۴	۱/۶۰
	پیوستگی	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۴	۱/۶۰

درصد	فراوانی	منابع	مؤلفه	بعد
۱/۶۰	۴	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	پرهیز از تقابل‌ها و دوگانه انگاری‌ها	
۲/۸۰	۷	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵). تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)،	یکپارچگی	
۲	۵	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	تلفیق‌پذیری	
۱۶	۴۰	جمع		

یافته‌های مربوط به بعد اتحاد و انسجام نشان می‌دهد این بعد (۱۰) مؤلفه و (۴۰) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه یکپارچگی با (۷) فراوانی و مؤلفه حضور داشتن با (۲) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده اند.

جدول شماره ۴: تحلیل جایگاه بعد خودآگاهی در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی‌شناسی

درصد	فراوانی	منابع	مؤلفه	بعد
۲	۵	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	آگاهی و شناخت هنری	
۱/۲۰	۳	تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹)، تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	مراقبت از خویشتن	
۲	۵	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	تجربه‌گرایی	



تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

بعد	مؤلفه	منابع	فراوانی	درصد
خودآگاهی	شناخت نقاط ضعف خود در زمینه هنر و زیبایی‌شناسی	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹). طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲).	۴	۱/۶۰
	خردورزی	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۴	۱/۶۰
	شناخت باورهای زیباشناسانه خود	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹) تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸).	۴	۱/۶۰
	شناخت اهداف خود	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹) ..	۴	۱/۶۰
	پرهیز از تقابل‌ها و دوگانه‌انگاری‌ها	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹). طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، تعلیم و تربیت امروزه (۱۹۹۹).	۴	۱/۶۰
خلق و آفرینش اثر هنری	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۵	۲	
		جمع	۴۰	۱۶

در بعد خودآگاهی هم یافته‌ها نشان داد که این بعد (۹) مؤلفه و (۴۰) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه شناخت توانایی و مهارت خود با (۶) فراوانی و مراقبت از خویشتن با (۳) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۵: تحلیل جایگاه بعد کل گرایی در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی

بعد	مؤلفه	منابع	فراوانی	درصد
کل نگری	همه جانبه نگری	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۶	۱/۶۰
	عبرت آموزی	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	۴	۱/۶۰
	ارتباط ذهن عمیق و معنادار با همدیگر	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۳	۱/۲۰
	ترکیب فراین یادگیری با تجارب زندگی	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)	۴	۱/۶۰
	جامعیت	دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)،	۳	۱/۲۰
	یکی دانستن حوزه نظر و عمل	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	۳	۱/۲۰
	خودشکوفایی	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۲۰۰۵).	۴	۱/۶۰
	ترکیب جنبه‌های عاطفی، روانی و شناختی	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۴	۱/۶۰
	جمع		۳۵	۱۴

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

در بعد کل‌گرایي هم یافته‌ها نشان می‌دهد این بعد (۹) مؤلفه و (۳۵) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه همه‌جانبه‌نگری با (۶) فراوانی و جامعیت با (۳) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند.

شماره ۶: تحلیل جایگاه بعد تخیل در متون و منابع مرتبط با حوزه هنر و زیبایی‌شناسی

بعد	مؤلفه	منابع	فراوانی	درصد
تخیل	پروورش ذائقه هنری	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)،	۵	۳
	بیان احساسات شاعرانه	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۳	۱/۲۰
	طمأنینه و آرامش	رغبت و کوشش در تعلیم و تربیت (۲۰۰۲)، طبیعت و رفتار انسان (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)،	۳	۱/۲۰
	تجسیم فکری	هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰) تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، (طبیعت و رفتار انسان، ۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۳	۱/۲۰
	درک شهودی	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹).	۶	۱/۶۰
	کنترل احساسات و هیجانات خود	تجربه و آموزش و پرورش (۱۹۹۸)، دموکراسی و آموزش و پرورش (۱۹۱۶)، هنر به مثابه تجربه (۱۹۸۰)، اصول اخلاقی در آموزش (۱۹۰۹)	۳	۱/۲۰
	حفظ و کنترل عزت نفس	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۳	۱/۲۰
	اکتشاف	تجربه و طبیعت (۱۹۲۵)، اخلاق (۱۹۳۵)، طبیعت و رفتار انسان، (۱۹۲۲)، بازسازی در فلسفه (۱۹۲۰)، اخلاق و شخصیت (۱۳۳۹).	۴	۱/۶۰
	جمع		۳۰	۱۲

در بعد تخیل یافته‌ها حاکی از آن است که این بعد (۸) مؤلفه و (۳۰) فراوانی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی شناسی را به خود اختصاص داده است که در این بین مؤلفه درک شهودی با (۶) فراوانی و تجسم فکری با (۲) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف، آگاهی از ابعاد و مؤلفه‌های هنر و زیبایی شناسی، تبیین و تحلیل آن بر اساس دیدگاه‌های جان دیویی انجام شده است. یافته‌های حاصله حاکی از این است که هنر و زیبایی شناسی دارای ابعادی است که عبارتند از: احساس و ادراک، خودآگاهی، اتحاد و انسجام، اخلاق، تخیل، کل‌گرایی. هر کدام از این ابعاد دارای مؤلفه‌هایی است که مورد توجه جان دیویی در آثار و تالیفاتش قرار گرفته است.

بعد اول، احساس و ادراک است، این بعد در بین ابعاد شش گانه هنر و زیبایی شناسی با ۶۰ فراوانی از بیشترین میزان توجه برخوردار بوده است و مؤلفه‌های آن، ابراز احساسات با زبان هنری با ۸ فراوانی، تجربیات هنری با ۶ فراوانی، آموزش مبتنی بر هنر و توجه به عواطف هر کدام با ۶ فراوانی، توجه به اصول سازندگی و خلاقیت، همدردی و توجه به موسیقی‌های سنتی و محلی هر کدام با ۵ فراوانی، درک تفاوت‌های فردی و توجه به آن با ۵ فراوانی؛ شادی و پرورش منش و عادات ممتاز فکری با ۴ فراوانی، پرورش نگرش‌ها و تمایلات با ۳ فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند. همچنان که از یافته‌ها مشخص است در بعد احساس و ادراک، مؤلفه، ابراز احساسات با زبان هنری با ۱۰ فراوانی و پرورش نگرش‌ها و تمایلات با ۳ فراوانی به ترتیب از بیشترین و کمترین فراوانی برخوردار هستند. این یافته با پژوهش‌های، انصاری و همکاران، (۱۳۹۳) و حسینی و همکاران (۱۳۹۴). همخوان است. در پژوهش‌های ذکر شده و پژوهش حاضر، احساس و ادراک به عنوان یکی از ابعاد اصلی هنر و زیبا شناسی با استناد به آراء و آثار جان دیویی و تحلیل صورت گرفته، شناسایی شده است. آنچه در تبیین و توضیح این بعد و مؤلفه‌های آن قابل تامل می‌باشد، این است که احساس یک وزنه‌ی مهم و اساسی در کسب تجربه‌ی زیبایی‌شناسی است به طوری که بدون

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

آن مفاهیم و تجربه‌ها، معنای خود را از دست می‌دهند، همچنین احساس یکی از سازه‌های مهمی است که منجر به آمیختن تجربه‌ی اخلاقی با تجربه‌ی زیبایی‌شناسی می‌شود. احساس در کنش متقابل فرد با محیط نقش مهمی ایفا می‌کند. احساس یک ویژگی ذاتی و طبیعی انسان است که بر ارتباطات وی نفوذ دارد. در حقیقت انسان با احساس، نوآوری و خلاقیت اجتماعی را می‌آفریند. این احساسات نه تنها عناصر تعیین کننده در خلق آثار هنری هستند، بلکه در درک رفتار و موقعیت انسان‌ها نیز حیاتی‌اند. علاوه بر این احساس و ادراک به عنوان یکی از کارکردهای اساسی در زمینه هنر و زیبا شناسی مطرح است. اهمیت این کارکرد از آنجا ناشی می‌شود که مباحث احساس و ادراک در زمینه‌های سازنده‌ای مانند تقویت احساس نیازمندی به خدا، پرورش احساسات مذهبی، ایجاد تعمیق در سلوک فردی تأثیر شگفت دارد. به عبارت دیگر، پرورش تجربیات مبتنی بر احساس و ادراک می‌تواند منجر به زمینه سازی و دستیابی به هدف غایی رشد هنری و شکل‌گیری تجربه زیبایی‌شناسی گردد. خلاصه اینکه، احساس و ادراک در نظریه دیویی جایگاه بسیار مهمی دارد به نحوی که استفاده صحیح و اصولی از روش‌های تربیت زیبا شناختی به وسیله مربیان در نظام تعلیم و تربیت، در ایجاد تغییرات مطلوب تعالی یابنده در متریان کمک می‌کند. به همین منظور، نظام‌های آموزشی باید با برنامه‌ریزی دقیق و اصولی، تلاش بیشتری در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌های شناختی، عاطفی و مهارت‌های متریان بنمایند تا بتوانند از طریق تربیت هنری و زیبایی‌شناختی، توانایی فراگیران را در نظام‌های آموزشی برای درک آثار هنری بالا ببرند.

بعد دوم، اخلاق است که در مجموع دارای ۴۵ فراوانی است که به ترتیب، توجه با هم‌نوعان با ۶ فراوانی، تواضع و فروتنی با ۶ فراوانی، خویش‌ن داری با ۵ فراوانی، پاسخگویی با ۵ فراوانی، برابری و مساوات با ۴ فراوانی، محترم شدن حق و حقوق دیگران با ۴ فراوانی، مهرورزی با ۴ فراوانی، برخورداری از شرم و حیا فراوانی با ۴، مراقبه با ۴ فراوانی، از خودگذشتگی با ۳ فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند. بخشی از یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های امینی (۱۳۹۳) و حسینی و همکاران (۱۳۹۴) همخوان است. مؤلفه‌های این بعد حکایت از آن دارند که انسان برخوردار از تجربیات هنر و زیبایی‌شناسی، شناخت و معرفت ویژه‌ای نسبت به وجود متعالی (خدا)، انسان، جهان

هستی دارد و تلاش می‌کند از طریق صفات و رفتارهای اخلاقی، زیست معنوی خود را به مسیر مطلوب هدایت نماید (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، در هم تنیدگی برنامه‌های متفاوت در اخلاق به عنوان یکی از ابعاد زیبایی شناسی به معنادارتر شدن مفاهیم مرتبط با حوزه هنر و زیبایی شناسی و ارتباط آنها با فرایندهای آموزشی و تربیتی کمک می‌کند. معرفت اخلاقی برگرفته از تجربیات به دست آمده در حوزه هنر و زیبایی شناسی، فراگیران را در تقویت و تحکیم مهارت‌های هنری و ارزش‌های اخلاقی یاری می‌کند. این رویکرد، جامع اندیشی و قابلیت انتقال یادگیری مفاهیم ارزشی مرتبط با هنر و زیبایی شناسی را در موقعیت‌های متعدد زندگی برای فراگیران فراهم می‌کند.

اتحاد و انسجام، بعد سوم است که در مجموع دارای ۴۰ فراوانی است و به ترتیب مؤلفه‌های: یکپارچگی با فراوانی ۷، استقلال با فراوانی ۶، پیوستگی با فراوانی ۵، پرهیز از تقابل‌ها و دوگانه انگاری‌ها با فراوانی ۴، اتصال یادگیری با امور روزمره با فراوانی ۴، هماهنگی و نظم با فراوانی ۴، ؟ فراوانی ۴ داشتن وحدت با فراوانی ۴، تلفیق‌پذیری با فراوانی ۳، کیفیت تفرد بخش با فراوانی ۳، ارتباط موضوع درسی با تجارب مستقیم زندگی و حضور داشتن با ۲ فراوانی به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند. این یافته با پژوهش پورحسینی (۱۳۹۴) همخوان است.

در توضیح و تبیین این بعد می‌توان گفت، آموزش و پرورش مبتنی بر هنر و زیبایی شناسی می‌تواند بین عوامل درونی، بیرونی، عقلانی و ذاتی و کمی و کیفی توازن ایجاد نماید. اولین ویژگی تجربه زیبایی شناسی اتحاد و انسجام است که هم زمان تجربه‌ی نامنظم را به گونه‌ای منظم به یک تجربه تبدیل می‌کنند: چیزی که یک تجربه را به تجربه‌ی زیبایی شناسی تبدیل می‌کند دگرگون کردن ثبات و هیجانات به نحوی است که در نهایت منجر به ترکیب رضایتمندانه می‌شود. تاکید دیویی در تجربه‌ی زیبایی شناسی بر حرکت، بسط، و نقطه‌ی اوج است. حرکت به سمت انعقاد تجربه را نقطه مقابل توقف و سکون می‌داند (دیویی، ۱۹۸۰). وقتی امری زیبایی شناختی پدیدار می‌شود چنان آشکار ویژگی‌های تجربه را نشان می‌دهد که جایگاه و موقعیتی بیرونی پیدا می‌کند و کاملاً از تجربه‌ی غیر زیباشناسانه متمایز می‌شود.

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

درواقع هیچ نوع تجربه‌ای وحدت و انسجام نمی‌یابد مگر این که کیفیت زیباشناختی داشته باشد (تسلیمیان و همکاران، ۱۳۹۶) بنابراین اتحاد، انسجام، تناسب، هماهنگی و نظم اجزاء اصلی و ضروری تجربه‌ی زیبایی‌شناسی‌اند که واجد یکپارچگی درونی و دارای نظم است. این موجب اتحاد بین تجربه‌های فکری و هیجانی شده و آن را از تجربه‌های معمولی متفاوت می‌سازد. بنابراین، به حد رشد رسیدن، کیفیت تفرد بخش و استقلال ویژگی منحصر بفرد و اصلی یک تجربه‌ی زیبایی‌شناسی‌اند که منجر به اتحاد و انسجام در آن می‌شود.

بعد چهارم، خودآگاهی است که در مجموع دارای ۴۰ فراوانی است و به ترتیب: شناخت توانایی و مهارت خود با ۶ فراوانی، خلق و آفرینش اثر هنری با ۵ فراوانی، آگاهی و شناخت هنری با ۵ فراوانی، شناخت باورهای زیبا شناسانه خود با ۴ فراوانی، شناخت اهداف هنری خود با ۴ فراوانی، تجربه‌گرایی هنری با ۵ فراوانی، شناخت نقاط ضعف خود با ۴ فراوانی، خردورزی با ۴ فراوانی، مراقبت از خویشتن با ۳ فراوانی به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند. تعدادی از مؤلفه‌های به دست آمده از این بعد با یافته‌های پژوهش‌های، انصاری و همکاران، (۱۳۹۳)، تسلیمیان و همکاران، (۱۳۹۶) همخوان است. همان طوری که در دیدگاه دیویی بیان شد، تجربه حاصل تعامل انسان با محیط پیرامونش است که به صورت چرخه‌ای به طور مداوم و مستمر در حرکت است و موجب تغییر وضعیت و نهایتاً کسب تجربه می‌شود (دیویی، ۱۹۶۰).

این چرخه‌ی تعامل با محیط موجب خود آگاهی انسان نیز می‌شود، زیرا وی از مقاصدش آگاه می‌شود، عاطفه یا هیجان نشانه آگاهانه نوعی گسست است، گسست میان عوامل درونی و بیرونی، این ناهماهنگی در موقعیت موجب تامل انسان می‌شود. میل به اعاده اتحاد، عاطفه یا هیجان را تبدیل به علاقه نسبت به چیزها به منظور تحقق هماهنگی می‌کند. با تحقق این هماهنگی، موضوع تامل به عنوان معنای موضوع جلوه می‌کند. هنرمند از آنجا که به این مرحله‌ی تجربه که اتحاد در آن صورت می‌گیرد علاقه‌ی خاصی دارد، آنها را می‌پروراند و تجربه‌ای را که وحدت یافته و تام است به سطح آگاهی جاری در می‌آورد (دیویی، ۱۹۸۰) این ویژگی خودآگاهی است. بطور کلی در فرایندهای آموزشی و تربیتی، تعامل با محیط، کسب

تجربیات زیبایی شناسی و برخورداری از عواطف و احساسات آگاهانه منجر به خودآگاهی می شوند.

بعد پنجم، کل نگری است که دارای ۹ مؤلفه می باشد و به ترتیب: همه جانبه نگری با ۶ فراوانی، عبرت آموزی با ۴ فراوانی، ترکیب فرایند یادگیری با تجارب زندگی با ۴ فراوانی، خودشکوفایی با ۴ فراوانی، ترکیب جنبه های عاطفی، روانی و شناختی با ۴ فراوانی، کمال گرایی با ۴ فراوانی، یکی دانستن حوزه نظر و عمل با ۳ فراوانی، ارتباط ذهن های عمیق و معنا گرا با هم با ۳ فراوانی، جامعیت هم با ۳ فراوانی از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده اند. بخشی از یافته های این پژوهش با پژوهش های، انصاری و همکاران، (۱۳۹۳) و حسینی و همکاران (۱۳۹۴) همخوان است. در تبیین این بعد می توان گفت که کل نگری به عنوان یکی از ویژگی های بارز هنر زیبایی شناسی به وجود رابطه عمیق میان استاد و شاگرد تأکید می کند. برنامه درسی کل نگر فعالیت ها و تمرینات آموزشی معلمان را غنی تر می کند و این نقطه ای مثبت برای رویکرد کل نگر محسوب می شود (پیس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). در برنامه درسی کل نگر، دانش و مهارت ها در اطراف علاقه فراگیران شکل می گیرند و مربیان نیز تنها بر روش های رسمی برنامه درسی برای سازماندهی یادگیری تکیه نمی کنند. زیرا علائق فراگیران، هرگز در راه های رسمی شنیده نشده اند. از آنجا که مبنای رویکرد کل نگر، یادگیری معنادار و مبتنی بر کارکرد و مؤثر بودن است، بدیهی است همان طور که (جکسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸) نیز معتقد است، این معنادار بودن به تجربیات مدرسه ای فراگیران عمق و معنا می بخشد. از طرفی نگاه دیوبی به تعالی و کمال انسان، کل نگر است؛ لذا عناصر برنامه درسی باید به گونه ای طراحی شود که موجبات رشد همه جانبه فراگیران را فراهم سازد و آنها را در مسیر دستیابی به خودشکوفایی و کمالات عالی انسانی قرار دهد. در مجموع با توجه به یافته های پژوهش می توان اذعان کرد که توجه به هنر و زیبایی شناسی در مراکز آموزشی به همراه تعامل این مراکز با سایر نهادهای

---

1. Pace  
2. Jackson



تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

اجتماعی شرایط لازم را برای پرورش همه جانبه بویژه پرورش اخلاقی و عقلانی فراگیران فراهم می‌سازد.

در نهایت بعد ششم، تخیل است که در مجموع دارای ۴۰ فراوانی و مؤلفه‌های آن شامل: درک شهودی با (۶) فراوانی، ذائقه هنری با ۵ فراوانی، بیان احساسات شاعرانه، طمانینه و آرامش، تجسم فکری، حفظ و کنترل عزت نفس، کنترل احساسات و هیجانات خود هر کدام با سه فراوانی و اکتشاف با (۲) فراوانی، به ترتیب از بیشترین و کمترین میزان توجه برخوردار بوده‌اند. چند مورد از مؤلفه‌های این یافته با تعدادی از ابعاد و مؤلفه‌های به دست آمده از پژوهش‌های، انصاری و همکاران، (۱۳۹۳) و حسینی و همکاران (۱۳۹۴) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تجربه‌ی زیبایی‌شناسی از نظر دیویی، تخیلی است. استدلال وی این است که تمام تجربه‌ی آگاهانه‌ی ما، دارای نوعی کیفیت تخیلی است. زیرا هر چند ریشه‌های هر تجربه‌ای در تعامل موجود زنده با محیطش پیدا می‌شوند، آن تجربه تنها در صورتی آگاهانه و ادراک می‌شود که معنایی از تجربه‌های پیشین وارد آن شوند. بدین ترتیب تخیل تنها دروازه‌ای است که این معناها می‌توانند از طریق آن راه خود را به تعاملی جاری باز کنند. وی می‌افزاید تنها از طریق تخیل است که معنا افاده می‌شود. این به خاطر آن است که تفاوت بین تجربه‌ی زیبایی‌شناسی و تجربه معمولی در تسلط نسبی بعد تخیل نهفته است. خلاصه اینکه، به سبب آنکه هنر و زیبایی‌شناسی در فرایندی تفکری- ادراکی؛ بر تخیل، خلاقیت، سازندگی و بیان موثر هستند و از ابعاد و جنبه‌های مختلف هوش را درگیر می‌کند و به خاطر اینکه قلمروها و حیطه‌هایی باز و گسترده هستند که جهان در آنها معنا و تفسیر می‌شود، دارای ضرورت و اهمیت خاص در پرورش حواس و آگاهی انسان هستند.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در دیدگاه دیویی به عنوان یکی از بزرگان اندیشه و تفکر، جایگاهی ویژه دارد و مورد اهتمام و توجه جدی وی بوده است. بر مبنای این اهمیت و توجه ویژه به مقوله‌های هنر و زیبایی‌شناسی، باید در نظام‌های تعلیم و تربیت، تجربیات هنری و زیبایی‌شناسی نقش محوری و اصلی داشته باشند؛ چرا که تربیت زیباشناسی و هنر مقوله‌هایی هستند که به وسیله آنها، هم می‌توان دنیا را احساس و درک کرد و هم آن را گسترش داد و هم باعث گشودگی در زمینه

روش‌های آگاهی و دانستن شد. به هر حال می‌توان از قابلیت هنر و زیبایی‌شناسی به عنوان یک رویکرد و چشم انداز برای تعلیم و تربیت و نظام آموزشی یاد کرد چرا که از طریق چنین رویکردی می‌توان تربیت را به سر مقصد اصلی خود هدایت کرد. رسیدن به این هدف و مقصد، در گرو آشنایی دست اندرکاران، و مجریان برنامه‌های آموزشی و درسی با این ابعاد و مؤلفه‌ها و جلب نظر آنان در خصوص توجه به هنر و زیبایی‌شناسی در فرایندهای آموزشی و تربیتی می‌باشد.

## منابع

- ادیب منش، مرزبان؛ لیاقتدار، محمد جواد؛ نصرافصهانی، احمد رضا. (۱۳۹۶). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی به منظور بررسی قابلیت اجرای آن در دانشگاه فرهنگیان از دیدگاه اساتید و مدیران، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- امینی، نیلوفر. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مبانی پست مدرنیسم با نظریات هنری جان دیویی، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه تهران.
- انصاری، مریم و دیگران (۱۳۹۳). تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی‌شناسی جان دیویی: به منظور پیشنهاد الگوی تجربه زیباشناسانه در تربیت اخلاقی، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۹). الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مدرسه .
- بازرگان، عباس (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: نشر دیدار.
- دیویی، جان (۱۳۹۳). هنر به منزله تجربه، ترجمه: علیا، مسعود، چاپ دوم، تهران: نشر ققنوس.
- دیویی، جان (۱۳۳۹). اخلاق و شخصیت، ترجمه: مشفق همدانی، چاپ دوم، تهران: با موسسه انتشارات فرانکلین.
- دیویی، جان (۱۳۴۲). دموکراسی و آموزش و پرورش، ترجمه امیر حسین آریان پور، تبریز: دانشسرای پسران.
- دیویی، جان (۱۳۴۳). مدرسه و اجتماع، ترجمه مشفق همدانی، تهران: صفی علیشاه.
- دیویی، جان (۱۳۶۹). تجربه و آموزش و پرورش، ترجمه: میرحسینی، سیداکبر، چاپ اول، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب

تبیین ابعاد و مولفه‌های هنر و زیبایی‌شناسی و تحلیل آن بر اساس ...

دیویی، جان، (۱۳۳۳). **مدرسه و شاگرد**، ترجمه: مشفق همدانی، چاپ سوم، تهران: با موسسه انتشارات فرانکلین

صادق زاده قمصری، علیرضا؛ حسنی، محمد (۱۳۹۶). **تبیینی از فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران**، تهران، انتشارات: شورای عالی آموزش و پرورش.

پورحسینی و همکاران (۱۳۹۴). **تبیین دلالت‌های دیدگاه جان دیویی در خصوص هنر و زیبایی‌شناسی برای فرایند تدریس و یادگیری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس تهران.

صابری، رضا؛ کیزوری، امیرحسین؛ محبی امین، سکینه؛ پورکریمی هاوشکی، مجتبی. (۱۳۹۴). طراحی مدل برنامه درسی هنر آموزش عمومی (دوره ابتدایی و متوسطه اول)، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران**، ۱۰ (۳۹)، ۱۳۳-۱۵۴.

طهماسب زاده، داود (۱۳۹۳). **مدل مفهومی برنامه درسی مبتنی بر رویکرد زیبایی‌شناسی**، رساله دکتری رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

قاسمی، اعظم و آیت‌اللهی، حمیدرضا، (۱۳۸۶). بررسی انتقادی مبانی فلسفی دیدگاه‌های اخلاقی جان دیویی، **فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری**، ۲ (۱ و ۲)، ص ۴۱-۳۱.

گرمابی، حسنعلی، ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید؛ افهمی، رضا. (۱۳۹۴). **بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی از دیدگاه منابع مکتوب و نظرات خبرگان**، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران**، ۱۰ (۳۹)، ۴۹-۷۰.

تسلیمیان، ناصر؛ سردی، محمدرضا و سیفی، محمد (۱۳۹۶). **تبیین جایگاه ادراک زیباشناسانه در تعالی ذهنی یادگیرندگان و ارائه الگویی مفهومی برای برنامه درسی هنر**، **فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی**، ۱۴ (۲)، ۲۸.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۰). **تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت: درسهای خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر**، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، شماره ۱۰۵، ۳۴-۱۱.

گرمابی، حسن علی، ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید؛ افهمی، رضا (۱۳۹۴). **بازشناسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و هنر برای برنامه درسی از منظر منابع مکتوب و دیدگاه صاحب‌نظران**، **فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران**، ۱۰ (۳۹)، ۴۹-۷۰.

مهدوی نژاد، محمدجواد؛ قدمی، مجید و افضلی، کوثر (۱۳۹۰). **نقش هنر در تربیت معنوی**، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، ۲۷ (۱۰۸)، ۹۱-۱۰۸.

نجفی، حسن؛ وفایی، رضا؛ ملکی، حسن (۱۳۹۴). **تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی انسان و تحلیل محتوای آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران**، **فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی**، ۱ (۴)، ۱۲۵-۱۵۰.

- نوریان، ۱۳۹۸. راهنمای عملی برای تجزیه و تحلیل محتوای کمی و کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. تهران، انتشارات شورا.
- مهديزاده تهرانی، آیدین؛ عصاره، علیرضا؛ مهرمحمدی، محمود؛ امام جمعه، محمد رضا (۱۳۹۷). طراحی الگوی نظام دستیابی به صلاحیت‌های موردانتظار معلمان هنر (دوره‌های ابتدایی و اول متوسطه) در دوره کارشناسی آموزش هنر، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۳ (۵۰)، ۱۰۷-۱۳۸.
- Carroll, m. (2012). **Recent approaches to aesthetic experience**, New York: Henry Hott & Company publishers.
- Jackson, P.W. (2018). **John Dewey and the Lessons of Art**. New Haven and London: Yale University Press.
- Dewey, J. (1980). **The Quest for certainly**: A Study of the Relation of Knowledge and Action. (Gifford Lectures) [Paperback].
- Dewey, J. (1909). **Moral Principles in Education**, New York: HoughtonMifflin Company.
- Dewey, J. (2005). **“Creative Democracy”**. From Sidney Ranter, Secretary Conference oMethods in Philosophy and Science. The Philosophy of the Common Man. 220-228.
- Dewey, J. (1932). **Ethics**. In J. A. Boylston (Ed.), John Dewey: The laterworks, vol: 7, Carbondale and Edwardsville: Southern Illinois UniversitPress.
- Dewey, J. (1925). **Experience and Nature**. In J. A. Boylston (Ed.), John Dewey: The later works, Vol. 1. Carbondale and Edwardsville: Southern IllinoisUniversity Press.
- Dewey, J. (1980). **Art as experience**. Perigee Books: The Berkley PublishingGroup. World Wide Web site address is <http://www.penguinputnam.com>.
- Dewey, J. (1920). **Reconstruction in Philosophy**, New York: Henry Hott &Company publishers.
- Jackson, P.W. (2018). **John Dewey and the Lessons of Art**. New Haven and London: Yale University Press.
- Wong, D. (2007). **Beyond Control and Rationality**: Dewey, Aesthetics, Motivation, and Educative Experiences. New York Teachers College Record, 109 (1), 192-220.
- Fesmaire, R. (2013), **John Dewey and aesthetic and moral imagination**. Malden, MA: Blackwell, 352-360.
- You, Zh. (2008). **The Aesthetic dimensions of Dewey's ethics**: A moral imagination model for service- learning in higher education. Dissertation of Purdue University for degree of doctor of philosophy. West Lafayette: Indiana.
- Clarke, J., (2017), **Meaning and Truth in the Arts**, Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Pace, G. (ed.). (2010). **Whole Learning In the Middle School**: Evolution and Transtion. Norwood, MA: Christopher - Gordon Publishers, Inc.